

علل کندی روند توسعه اطلاعاتی در آسیای غربی*

نویسندگان: محمد حسینی مقدم؛ غلامعلی منتظر و مهرداد حاجی میرعرب

چکیده

توسعه اطلاعاتی شیوه نوین توسعه است که به تناسب اهمیت یافتن فشردگی زمان و مکان و تغییر الگوها و پارادایم‌های حاکم بر عرصه دانش، مطرح شده است. این شیوه نوین توسعه در پاره‌ای از نقاط جهان دارای رشد و آهنگ مطلوبی است و در پاره‌ای دیگر خیر. آسیای غربی و منطقه خاورمیانه، به استثنای برخی کشورها، در زمره دسته دوم یعنی کشورهایی قرار می‌گیرند که آهنگ توسعه اطلاعاتی در آنها بسیار کند است. این کند بودن خود متأثر از عوامل متعددی است. متغیر اصلی شناسایی شده در این نوشتار رویکرد نخبگان حاکم به قدرت است، این رویکرد با ذات و بافت توسعه اطلاعاتی همخوانی و هماهنگی ندارد. لذا توسعه اطلاعاتی همواره کند است یا صحتی از آن در میان نیست. در این مقاله با بررسی مفهوم قدرت و پارادایم توسعه اطلاعاتی، به بررسی شاخص‌های چهار کشور مهم آسیای غربی، عربستان سعودی، سوریه، اردن و امارات متحده عربی در عرصه رویکرد نخبگان سیاسی به قدرت و تأثیر آن بر آهنگ توسعه اطلاعاتی در این کشورها پرداخته شده است.

توسعه اطلاعاتی، تولید ثروت و اعمال قدرت به توانایی تکنولوژیک جوامع و افراد بستگی دارد و کانون این توانایی، فناوری اطلاعات است. از همین روست که فرایند اصلی تولید دانش، بهره‌وری اقتصادی، قدرت سیاسی، نظامی و ارتباطات رسانه‌ای در جوامع متکی به شیوه توسعه اطلاعاتی به شدت از الگوی بهره‌وری اطلاعاتی تأثیر پذیرفته و به شبکه‌های جهانی ثروت و قدرت متصل شده است. [۳، صص ۴۹، ۴۵]

تحقق توسعه اطلاعاتی و شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی و دانش‌مدار، بیش از آن‌که مبتنی بر ابعاد سخت‌افزاری فناوری باشد، بر پایه زیر ساخت‌های نهادین فرهنگی و اجتماعی استوار است.^۲ به عبارت روشن‌تر برخلاف برخی تفکرات و پندارهای سطحی‌نگر که صرف ورود سخت‌افزار را معیار توسعه اطلاعاتی برمی‌شمارند، باید گفت توسعه اطلاعاتی نیازمند فرهنگ اقتصاد، سیاست، دیپلماسی، آموزش، بانکداری و خدمات اطلاعات محور است. از این‌رو در توسعه اطلاعاتی شاهد نوعی جابه‌جایی در معیارها و شاخص‌های پیشین برای سنجش توسعه هستیم. پیش‌تر طبق نظریات رئالیستی روابط بین‌الملل و نظریات کارشناسان ژئوپلیتیک، قدرت و توسعه به واسطه در اختیار داشتن کنترل بر منابعی از قبیل سرزمین، جمعیت، تولید ناخالص ملی، تولید انرژی و ثروت اقتصادی سنجیده می‌شد.^۳ اما امروزه اطلاعات و مهم‌تر از آن دانش بهره‌بردار از این اطلاعات، خود به عنوان پایه‌ای‌ترین عنصر توسعه و افزایش قدرت و ثروت ملی به‌شمار می‌رود. حجم اطلاعات تولید شده در تار جهان‌گستر، تعداد اختراعات به ثبت رسیده، میزان استفاده از اطلاعات از جمله مهم‌ترین شاخص‌های توسعه به معنای جدید است. [۳، صص ۷۶].

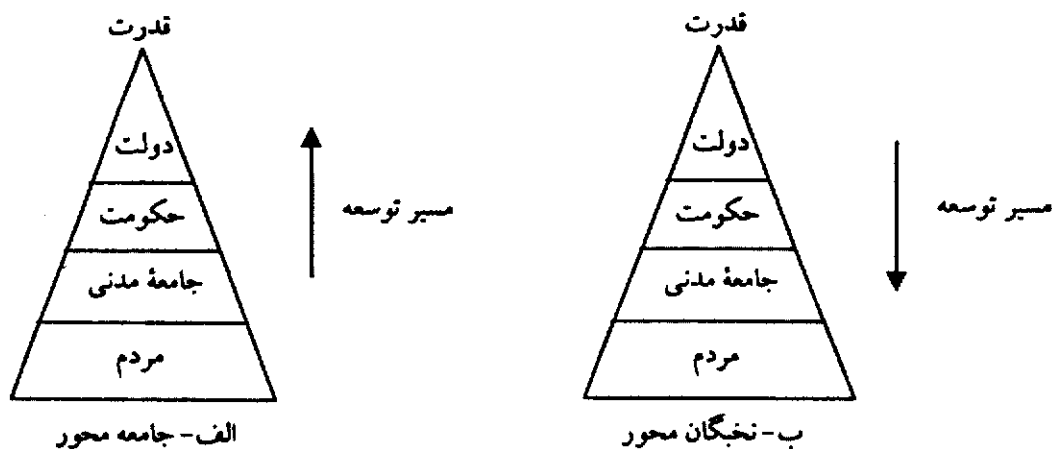
در این مقاله با بررسی روند توسعه در چهار کشور خاورمیانه، به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا توسعه اطلاعاتی در کشورهای این منطقه مهم، بستر مناسب خود را یافته است یا خیر؟ گرچه جامعه آماری این مقاله محدود به چهار کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن و سوریه است اما آزمون‌پذیری نتایج و فرضیه اصلی پژوهش بر دامنه تعمیم‌پذیری آن می‌افزاید.

تاریخ و تجربه توسعه در کشورهای مختلف، دو راه اصلی را برای پیشبرد روند توسعه نشان می‌دهد. مسیر اول را «جامعه محور» می‌نامند. به این معنا که جهت حرکت تحولات، نوآوری‌ها و ابتکار عمل‌ها از سوی جامعه و قاعده هرم به سوی قله هرم قدرت سرازیر می‌شود اما در مسیر دوم یعنی «نخبگان محور» جهت حرکت تحولات و نوآوری‌ها از سوی

پیش از پرداختن به مفهوم «توسعه اطلاعاتی» یا به قول مانوئل کاستلز Manuel Castells «شیوه اطلاعاتی توسعه» Informational Mode of Development و ذکر ویژگی‌ها و پارامترهای آن، ضروری است مراد از واژه «توسعه» و نگاه این نوشتار به آن روشن شود.

واژه «توسعه» در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ م، در حالی که کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین در اندیشه‌های رهایی از گرداب فقر همه‌گیر بودند، پا به عرصه وجود نهاد.^۴ به دنبال آن تعبیر و نظریات متعدد و متفاوتی مطرح شد که وجه تشابه اصلی آنها تکیه بر ابعاد اقتصادی، شکاف میان کشورهای شمال و کشورهای جنوب بود. اما امروزه در کنار شکاف اقتصادی، شکاف‌های جدید ناشی از عصر جدید مطرح می‌شوند. عصر دیجیتال شکاف دیجیتالی و عصر دانش‌مداری شکاف دانایی را به وجود آورده است. نگاه به توسعه باید با مختصات زمانه و عصر خود سازگاری داشته باشد؛ نمی‌توان در عصر موسوم به «عصر اطلاعات» از توسعه با ویژگی‌های عصر صنعتی صحبت کرد. از همین‌رو توسعه از منظر این نوشتار دلالت بر فرایند همزمان بهبود شاخص‌های زندگی، دگرگونی ساختاری در نظام تولید و توان رقابت در اقتصاد جهانی دارد. سؤالی که در پی این تعریف طرح می‌شود این است که از میان شیوه‌های مرسوم توسعه از قبیل توسعه صنعتی، توسعه کشاورزی و توسعه اطلاعاتی کدام بیش از همه اولاً با واقعیات و مقتضیات زمانه همخوانی دارد و ثانیاً قادر به برآورده ساختن انگاره‌هایی است که در ذیل تعریف توسعه بیان شد؟

با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که نظام جهانی به دنبال تحولات پدید آمده در عرصه دانش و فناوری و دگرگونی شیوه‌های تولید، توزیع و مصرف در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطوح متفاوت متحول شده است. این تحولات، ورودی‌های جدیدی را برای نظام‌های تصمیم‌گیری به وجود آورده است که به شدت خواستار ذخیره‌سازی زمان و مکان در پرتو سیطره بی‌چون و چرای نظام جهانی سرمایه‌داری است.^۵ از این‌رو ارائه خروجی‌های متناسب، مستلزم انجام پردازشی است که بتواند بین ورودی‌های جدید و خروجی‌ها همپوشی ایجاد کند. انجام پردازش جدید، نیازمند طرح شیوه جدیدی از توسعه است که پیش‌تر آن را «توسعه اطلاعاتی» خواندیم. ویژگی اصلی این شیوه توسعه، تأکید بر دانش به عنوان منبع اصلی بهره‌وری است. در



شکل ۱ رویکردهای توسعه در جوامع

خاص ملت، جغرافیا یا نظام سیاسی خاصی نیست.^۲ از آنجا که کشورهای خاورمیانه در زمره کشورهای درحال توسعه قرار می‌گیرند لذا توسعه نخبه محور از کارآمدی و کارکرد به مراتب بیشتری در آنها برخوردار است چرا که نخبگان می‌توانند در پویایی و پایداری ساختار دولت، ملت‌های خود در عرصه‌های متفاوت آموزش، فرهنگ، سیاست و خدمات، نقش بسزایی ایفا کنند. پیشبرد توسعه مبتنی بر اطلاعات و دانش نیز از این قاعده مستثنا نیست.

ضرورت اثبات تأثیر رویکرد نخبگان چهار کشور عربستان سعودی، سوریه، امارات واردن به مفهوم قدرت و کندی آهنگ توسعه اطلاعاتی، ایجاد می‌کند مفهوم قدرت را مورد بررسی قرار دهیم و پس از پویه‌شناسی و تعریف عملیاتی آن، به بررسی ارتباط میان متغیر مستقل رویکرد نخبگان به مفهوم قدرت و متغیر وابسته کندی آهنگ توسعه اطلاعاتی در چهار کشور پیش گفته بپردازیم.

مفهوم قدرت

هر علمی برپایه ادبیات شکل گرفته و در گذر زمان معانی، انگاره‌ها و آموزه‌های بسیاری را منتقل می‌کند و از آن طریق جهان پیرامون ما و روابط میان اجزای آن را بر ما روشن و نمایان می‌سازد؛ علم فیزیک برپایه جرم، زمان، حرکت، سرعت و شتاب؛ علم اقتصاد برپایه تولید، توزیع، مصرف، عرضه و تقاضا؛ علم جامعه‌شناسی

قله هرم قدرت به سوی جامعه و قاعده هرم سرازیر می‌شود. این روند در شکل ۱ نمایش داده شده است.

مسیر اول یعنی توسعه جامعه محور، عمدتاً خاص کشورهای توسعه یافته است که در آنها اصول دموکراسی و تکثرگرایی نهادینه شده، جامعه حزبی شکل گرفته و به طور کلی جامعه مدنی فعال است. گرچه به طور استثنا برخی کشورهای درحال توسعه را نیز می‌توان یافت که توسعه آنها جامعه محور است مانند هند، اما مسیر دوم یعنی توسعه نخبگان محور،

خاص کشورهای درحال توسعه یا جهان سوم است. از آنجا که در این جوامع اصول دموکراسی، تکثرگرایی و نظام حزبی نهادینه نشده است و جامعه مدنی ضعیف است، لگام توسعه در دست نخبگان این کشورها قرار می‌گیرد.^۳

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود درک، فهم و نگاه نخبگان در کشورهای درحال توسعه نسبت به مفاهیم، انگاره‌ها و آموزه‌های بنیادین حکومت‌گردانی، نظام بین‌الملل و زیر مجموعه‌های آنها و چگونگی تعامل این مجموعه‌ها تأثیر بسزا و شگرفی بر روند تعیین راهبردها و روش رسیدن به آنها برجای خواهد گذاشت.^۴ همان‌گونه که شرح داده خواهد شد ما از میان مفاهیم اساسی و کلیدی علم سیاست و روابط بین‌الملل نگاه نخبگان به مفهوم قدرت راه، که سامان‌دهنده هر دو علم مذکور است، برگزیده‌ایم. شایان ذکر است که تمایل به کسب قدرت و افزایش آن، جنبه جهانشمول دارد و

■ **تحقق توسعه اطلاعاتی و شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی و دانش‌مدار، بیش از آن‌که مبتنی بر ابعاد سخت‌افزاری فناوری باشد، بر پایه زیر ساخت‌های نهادین فرهنگی و اجتماعی استوار است.**

■ **امروزه اطلاعات و مهم‌تر از آن دانش بهره‌برداری از این اطلاعات، خود به عنوان پایه‌ای‌ترین عنصر توسعه و افزایش قدرت و ثروت ملی به‌شمار می‌رود.**

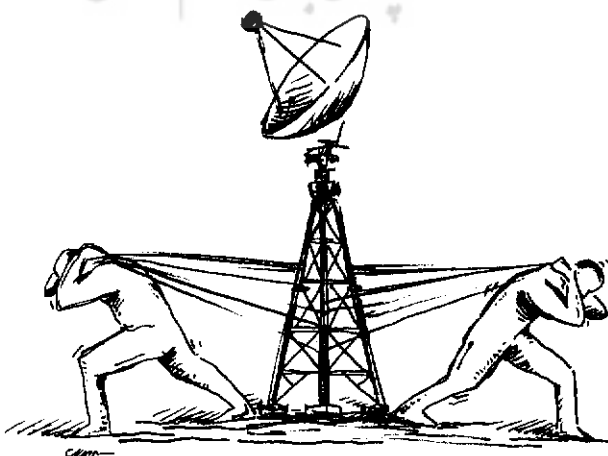
براساس مردم، جامعه، آداب، رسوم، سنن و جامعه‌پذیری، و علم سیاست برپایه منافع ملی، امنیت، قدرت، ثبات، پویایی و داشتن پایداری در بستری متلاطم از تغییرات و تحولات معنا می‌یابد. این علم ضمن شناساندن محیط داخلی، امکانات توانمندی‌ها و محیط فراملی و نظام بین‌الملل و چگونگی تعاملات آنها به ارتقا و بهبود واحد دولت - ملت به عنوان جزئی از اجزای نظام بین‌المللی یاری می‌رساند.

ما در این مقاله «قدرت» را، که مهم‌ترین مفهوم سامان‌بخش دانش سیاست و روابط بین‌الملل است، از منظر رئالیسم سیاسی بررسی می‌کنیم. بدین معنا که در رئالیسم سیاسی، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها صحنه رقابت سیاسی و مبارزه برای قدرت‌یابی و حفظ قدرت است.^۱ در تعریف، دسته‌بندی و ذکر شاخص‌های «قدرت» بسان دیگر مفاهیم علوم انسانی رسیدن به اجماع نظر، کاری بس دشوار است. با وجود این پس از بررسی تعاریف مطرح شده در طی دوران جنگ سرد وجه غالب تأکید بر جنبه‌های قهرآمیز، نظامی‌گری و به‌طور کلی جنبه‌های ملموس، دیدنی و سخت‌افزاری قدرت بود، اما با فروپاشی نظام دوقطبی، گسترش وابستگی‌های متقابل، گسترش ارتباطات، پیدایش جهان مجازی و شبکه‌ای شده سبب شده تا جنبه‌های ناملموس، نامرئی و به معنای وسیع‌تر نرم قدرت، اهمیت بیشتری پیدا کند.^۲ به‌طور کلی به لحاظ تجربی به سه روش می‌توان قدرت را مشاهده کرد: الف: قدرت به عنوان منبع؛ ب: قدرت به عنوان رابطه و ج: قدرت به عنوان یک ساختار.

در رویکرد قدرت به عنوان منبع، قدرت بر حسب داشتن ابزار کنترل بر منابعی که با در اختیار داشتن آنها می‌توان بر دیگران و یا خروجی‌ها کنترل یافت، سنجیده می‌شود؛ منابعی مانند ثروت اقتصادی و جمعیت در رویکرد قدرت به مثابه رابطه، قدرت به عنوان تعاملات میان طبقات بازیگر اجتماعی برآورد می‌شود. به این معنا که بازیگر الف بازیگر ب را وادار می‌کند مطابق میل و علاقه او عمل کند. در رویکرد ساختاری، قدرت شکل بخشیدن به چارچوبی است که در درون آن، دولت‌ها یا یکدیگر، با مردم و با دیگر بازیگران مرتبط می‌شوند. نکته مهم این است که با رشد تدریجی و اهمیت یافتن روزافزون اطلاعات گرایشی و تبلور آن در فناوری اطلاعات دو نکته ذیل مشاهده می‌شود:

الف: مرکز ثقل اصلی قدرت از مقوله نظامی به مقوله‌های اقتصادی و وابستگی‌های مقابل جابه‌جا شده است و فناوری اطلاعات به تدریج به عنوان نقطه ثقل قدرت محسوب می‌شود. از این رو در سال‌های اخیر در کنار مجموعه‌های متعارف، قابلیت‌هایی که در رویکرد نخست، قدرت به عنوان منبع - برای اندازه‌گیری قدرت به کار گرفته می‌شده و نیز توانمندی‌های فنی به عنوان منبع قدرت به‌شمار می‌رود. همان‌گونه که اولین تافلر معتقد است توسعه فناوری‌های اطلاعاتی، اساس و بنیان قدرت را از خشونت به ثروت و از ثروت به دانش جابه‌جا کرده است؛ یعنی همان پدیده‌ای که وی «جابه‌جایی در قدرت» Power Shift می‌خواند. بدون تردید فناوری‌های نوین هم بر قدرت و هم بر ارزیابی و برآورد قدرت تأثیر گذاشته‌اند. بدین معنا اگر کشوری تجهیزات پیشرفته ارتباطی در اختیار داشته باشد به راحتی می‌تواند به منابع اطلاعاتی دسترسی داشته باشد. همین دسترسی به منابع اطلاعاتی و بزرگراه‌های اطلاعاتی سبب برتری کشور مذکور نسبت به کشورهایی می‌شود که چنین بزرگراه‌هایی در اختیار ندارند.^۳

ب: فناوری اطلاعات، اشکال ناملموس قدرت را برجسته‌تر و مهم‌تر کرده است. کنترل بر دانش، اعتقادات و باورها همواره به عنوان تکمله‌ای بر منابع ملموس قدرت از قبیل مواد خام، قابلیت بهره‌وری اقتصادی و نیروی نظامی در نظر گرفته می‌شود. در مورد رویکرد سوم، «قدرت به مثابه ساختار» نیز باید گفت تحولات به وجود آمده به دنبال فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مصادیق این رویکرد را به شدت دگرگون ساخته است. در این خصوص سوزان استرنج Susan Strange می‌گوید: هر کس بتواند دیگران را به دانش خود وابسته و محتاج سازد و به گذرگاه‌هایی که شبکه‌های دانش را به هم مرتبط می‌سازد دسترسی داشته باشد، خواهد توانست بر هنجارها، قوانین و فرایندهایی که بر نظام‌های اقتصادی و سیاسی جهان حکمفرمایی می‌کنند تأثیر بگذارد و در واقع اعمال قدرت نماید. از این رو اطلاعات خود منبع انعطاف‌پذیر قدرت است که نسبت به منابع دیگر قدرت کمتر توسط زمان و مکان محدود می‌شود. این قدرت از قابلیت تغییر و انتقال بیشتری برخوردار است. قدرت در این معنا بیشتر به پول شباهت دارد تا به منابع قدرت نظامی. با این حال بررسی‌های ساختاری نشانگر



آن است که این تغییرات تکنولوژیکی و اطلاعاتی تا زمانی که نظام‌های اعتقادی، که خود حامی و پشتیبان ترتیبات اقتصادی و سیاسی مورد قبول جامعه هستند، تغییر نکنند، ضرورتاً ساختارهای قدرت را تغییر نمی‌دهند.^{۱۱}

از بررسی سه رویکرد فوق می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌ها و معیارهای وستفالیایی Westphalia و قرون وسطایی قدرت از قبیل تعداد قشون نظامی، تجهیزات نظامی، لشکرکشی، اعمال خشونت و سایر موارد مشابه، شالوده‌شکنی شده‌اند و جای خود را به میزان دسترسی به اطلاعات، دانایی، میزان ائتلافات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، میزان وابستگی‌های متقابل داده است که همگی در زمره عناصر نرم قدرت محسوب می‌شوند. کشور قدرتمند کشوری نیست که به تسلیحات مدرن نظامی دسترسی دارد بلکه کشوری است که توان رقم زدن مناسبات بین‌المللی را داشته باشد. کشور قدرتمند کشوری است که توانایی رسیدن به هدف خود را از طریق «جذب» به جای «اجبار» داشته باشد و بتواند با تکیه بر جذابیت اندیشه‌ها یا فرهنگ توانایی طرح و در دستور کار قرار دادن، خواسته‌های خود را از رهگذر هنجارها و نهادهایی داشته باشد که ارجحیت‌های دیگران را شکل می‌دهند.

بر همین اساس، با نگاهی به نقشه جهان، کشورهایی را درمی‌یابیم که به رغم مساحت کوچک، نداشتن نیروی نظامی قابل توجه، فقدان دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای از رتبه و منزلت بالایی در عرصه توسعه اطلاعات و جوامع مبتنی بر دانش برخوردار هستند. کشور ایرلند نمونه‌ای بارز از این مدعاست؛ بدین معنا که ایرلند با تکیه بر دانش، فناوری اطلاعات و زیرساخت‌های فرهنگی و نهادی خود به رتبه اول جهان در زمینه صدور نرم‌افزار دست یافته است. بی‌گمان افزودن بر گره‌ها و پیوندهای فراملی و برقراری ارتباطات تنگاتنگ در عرصه‌های متفاوت با نظام بین‌الملل خود بسان یک بازدارنده مهم نظامی برای ایرلند ایفای نقش می‌کند، لذا شاهد کاهش تدریجی هزینه‌های نظامی در این کشور هستیم.^{۱۲}

برداشت نخبگان از مفهوم قدرت در عصر اطلاعات

با توجه به پویه‌شناسی قدرت در بند قبلی، اینک به دنبال پاسخ موارد ذیل هستیم:

■ با فروپاشی نظام دو قطبی، گسترش وابستگی‌های متقابل، گسترش ارتباطات، پیدایش جهان مجازی و شبکه‌ای شده سبب شده تا جنبه‌های ناملموس، نامرئی و به معنای وسیع‌تر نرم قدرت، اهمیت بیشتری پیدا کند.

الف: تلقی نخبگان کشورهای مورد نظر از قدرت چیست؟
ب: چگونه این تلقی بر آهنگ توسعه اطلاعات تأثیر گذاشته است؟
واژه نخبه به معنای بزرگ، صاحب فکر و شخص دارای توانمندی فکری و سازماندهی است. نخبگان به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: نخبگان فکری و نخبگان ابزاری. نخبگان ابزاری صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی هستند و نخبگان فکری افرادی هستند که اندیشه، فکر، روش‌های بهینه، نظریه، آینده‌نگری و دوراندیشی تولید می‌کنند. در این نوشتار تمرکز ما بر رویکرد و تلقی نخبگان ابزاری است که تعیین بخش تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌ها و راهبردها هستند. نحوه ارزیابی و اندازه‌گیری نیز بر پایه بررسی آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی، سازمان برنامه توسعه سازمان ملل متحد و سالنامه‌های آماری توسعه انسانی ملل متحد استوار است.

پویه‌شناسی منطقه سراسر تنش و بحران خاورمیانه و حکمفرما بودن شیوه تولید دولت سالار موجد یک نکته مشترک و قابل توجه میان دولت‌ها. ملت‌های این منطقه شده است: نظامی‌گری، تمرکز بر قدرت‌های قهری و تکیه بر خرید تسلیحات. تردیدی نیست که عملکرد بازیگران مقتدر منطقه‌ای چون ایران، اسرائیل، ترکیه از یک سو و بازیگران فرامنطقه‌ای چون آمریکا و اتحادیه اروپا از سوی دیگر بر آشوب‌ها و سوق دادن این کشورها به سوی تکیه بر نظامی‌گری دامن می‌زند. اما این دلیل نمی‌شود که نقش نخبگان ابزاری یا سیاسی را نادیده انگاشت زیرا در درون همین مجموعه کشورها شاهد رشد و شکوفایی کشورهای هستیم که با شناسایی نبض زمانه و مسیر تحولات جهانی برای فائق آمدن بر شکاف‌های موجود میان کشورهای شمال و جنوب، طرحی نورا در میان هم‌قطاران خود درافکنده‌اند. در این میان عملکرد امارات متحده عربی و آردن قابل تأمل است که در ادامه پیرامون آن بحث می‌کنیم؛

امارات متحده عربی

امارات متحده عربی در طول دهه گذشته زیرساخت‌های جدیدی را به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری در امر آموزش و پرورش جوانان و نوجوانان خود دایر کرده است تا از این طریق آنها را مهیای ورود به اقتصاد دانش‌مدار سازد. برای این منظور چهار

راهبرد مهم را برگزیده است: راهبرد اول در ارتباط با توسعه منابع انسانی است و سه ابتکار دیگر با هدف توسعه محیط های کاری و زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به تشویق سرمایه گذاری های آتی در اقتصاد و در نظر گرفتن تمامی مزایای اقتصادی - اجتماعی انجام گرفته است که از طریق تأسیس پارک های فناوری در حال تحقق است. مرکز عالی آموزش و تحقیقات کاربردی از این دست است که با هدف مهیا کردن زیرساخت های لازم برای توسعه پایدار و استفاده از آخرین دستاوردهای فناوری در امارات متحده عربی در حال فعالیت است.

سه ابتکار دیگر در استفاده از تمامی مزایای اقتصادی - اجتماعی فناوری های اطلاعات در این کشور عبارت است از: الف: ایجاد مرکز رشد تجاری ابوظبی، ب: ایجاد مرکز نوآوری ابوظبی با دو هدف: پیشبرد فناوری پایدار بومی شده در منطقه و به کارگیری فناوری های موجود به طرق ابتکارآمیز به منظور توسعه آتی اقتصادی منطقه و تأسیس شهر اینترنتی دبی.

شهر اینترنتی دبی در سال ۱۹۹۹ میلادی توسط حکومت امارت دبی دایر شد. هدف اصلی تأسیس این شهر عبارت است از ایجاد ایستارها، محیط وزیرساخت هایی که تجارت نوین بتواند در یک اقتصاد دانش مدار و به طور کارآمد و جهانی عمل کند. براساس این شواهد و آمارهایی که به لحاظ سهم واردات و صادرات جهانی و میزان سرمایه گذاری در توسعه منابع انسانی و ایمنی اجتماعی ارائه شده می توان

گفت نخبگان امارات همگام و همسو با تحولات جهانی پیش رفته اند و با رعایت قواعد و ظرایف بازی در عرصه نظام بین الملل، کشور خود را به سان دانه زنجیری در مجموعه جهانی و شبکه شده ثروت و قدرت قرار داده اند به طوری که بزرگ ترین بازار منطقه ای در این کشور قرار دارد و جمعیتی در حدود ۱/۵ میلیارد نفر را در کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی تحت پوشش قرار می دهد.^{۱۳}

براساس گزارش آخرین آمار سالنامه نظامی تولید ناخالص ملی امارات به ترتیب در سال ۲۰۰۰، ۲۱۳ میلیارد درهم و در سال ۲۰۰۱، ۲۴۹ میلیارد درهم بوده است در حالی که بودجه دفاعی امارات در سال ۲۰۰۱ بدون هیچ تغییری نسبت به سال ۲۰۰۰، شش میلیارد درهم بوده است. آمار متناظر برای کشورهای سوریه، عربستان و اردن در جدول ۱ آمده است.^{۱۴}

با توجه به این جدول ملاحظه می شود امارات به نسبت تولید ناخالص داخلی خود رقم نسبتاً متعادل و متعارفی را به مسائل نظامی اختصاص داده است در عین حال بیشترین سهم از GDP خود را در راستای چهار راهبردی که پیش تر از آنها صحبت شد، به کار گرفته است.

برای توضیح بیشتر گزارش توسعه انسانی ارائه شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل در جدول ۲ و آمارهای توسعه اطلاعاتی در جدول ۳ آمده است. در این گزارش علاوه بر کشورهای فوق، سه کشور توسعه یافته نروژ، سوئد و سنگاپور و نیز کشور در حال توسعه ایران نیز ذکر شده تا تفاوت ها و تمایزها برجسته تر شود.^{۱۵}

اردن

اردن تلاش بسیاری دارد تا با تحول در نگرش نخبگان نسبت به قدرت، موجبات رهایی این کشور از گیرودار منازعات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک فراهم آید. اردنی ها اساس و پایه قدرت خود را در افزایش رفاه ملی، آموزش، امنیت اجتماعی و حضور فعال در عرصه تجارت بین الملل و جذب هرچه بیشتر سرمایه گذاری های خارجی می بینند.

دستیابی به اهداف فوق و روندهای جهانی به سوی اقتصاد دانش مدار و جهانی شدن سبب شدن

■ در نظام نوین جهانی، سرمایه اصلی دانش و دانایی است که اساساً ناملموس و نامرئی است و سرمایه های مرئی به تدریج اهمیت و ارزش خود را از دست می دهند.

جدول ۱: مقایسه ارقام بودجه و هزینه های چهار کشور آسیای غربی

کشور	سال ۲۰۰۰			سال ۲۰۰۱		
	تولید ناخالص داخلی	بودجه دفاعی	هزینه دفاعی داخلی	تولید ناخالص داخلی	بودجه دفاعی	هزینه دفاعی داخلی
اردن	۵/۴ (میلیارد دینار)	۵۳۶ (میلیون دینار)	۵۳۶ (میلیون دینار)	۶/۶ (میلیارد دینار)	۵۳۷ (میلیون دینار)	۵۳۷ (میلیون دینار)
امارات متحده عربی	۲۱۳ (میلیارد درهم)	۶ (میلیارد درهم)	۱۱ (میلیارد درهم)	۲۴۹ (میلیارد درهم)	۶ (میلیارد درهم)	۱۱/۵ (میلیارد درهم)
سوریه	۸۰۰ (میلیارد پوند)	۴۲ (میلیارد پوند)	۸۶ (میلیارد پوند)	۹۱۵ (میلیارد پوند)	۵۰ (میلیارد پوند)	۱۰۰ (میلیارد پوند)
عربستان	۶۹۴ (میلیارد ریال)	۷۴/۸ (میلیارد ریال)	۸۲/۶ (میلیارد ریال)	۶۶۰ (میلیارد ریال)	۷۷/۱ (میلیارد ریال)	۹۲/۷ (میلیارد ریال)

جدول ۲: مقایسه ارقام هزینه‌های کشورهای آسیای غربی نسبت به تولید ناخالص ملی آنها

کشور	نسبت هزینه‌های عمومی برای آموزش به GDP		نسبت مصارف عمومی برای بهداشت به GDP		نسبت هزینه‌های نظامی به GDP	
	۱۹۹۵-۱۹۹۷	۱۹۹۸-۱۹۹۹	۱۹۹۷-۱۹۹۸	۱۹۹۸-۱۹۹۹	۱۹۹۰-۲۰۰۰	۱۹۹۰-۲۰۰۰
ترکز	۷/۷	۷/۰	۶/۲	۲/۹	۱/۸	۱/۸
سوند	۸/۳	۶/۶	۷/۶	۲/۶	۳/۸	۳/۸
سنگاپور	۳/۰	۱/۱	۱/۰	۳/۸	۲/۸	۲/۸
اردن	۲/۹	۳/۶	۳/۶	۱۱/۱	۹/۵	۹/۵
ایران	۴	۱/۷	۱/۵	۲/۷	۳/۸	۳/۸
عربستان سعودی	۷/۵	-	-	۱۲/۸	۱۱/۶	۱۱/۶
سوریه	۲/۲	-/۹	-/۲	۶/۹	۵/۵	۵/۵
امارات متحده عربی	۱/۷	-/۸	-/۸	-	-	-

صرف کرده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که دستاورد خروج اذهان نخبگان سیاسی و ایزاری اردن از جنبه تلقی سنتی و وستفالیایی از قدرت، رشد و توسعه دانش‌مدار در اردن خواهد بود.

عربستان سعودی

در طول سه دهه گذشته، پادشاهی عربستان سعودی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را در پیش گرفته است. اهداف این برنامه‌ها عبارت بودند از توسعه کشاورزی و صنعتی، گسترش خدمات و بهبود بخشیدن به ساختارها. «راهبرد ملی دانش و فناوری» که مهم‌ترین نوآوری عربستان سعودی در طول چند دهه گذشته بوده است با هدف استحکام بخشیدن و پشتیبانی از برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در نظام پادشاهی تدوین شده است. این استراتژی متشکل از چهار طرح پنج ساله است که از سال ۲۰۰۱ میلادی شروع می‌شود و تا سال ۲۰۲۰ به طول می‌انجامد. این طرح اهداف وسیعی را دنبال می‌کند که عبارتند از توسعه منابع انسانی، توسعه توانمندی‌های تحقیق و توسعه، ارتقای آگاهی عمومی نسبت به اهمیت دانش و فناوری و دستیابی و جذب فناوری. مصر (۱۹۲۰۲۴)

هر چند طرح جامع فوق برای پیش بردن عربستان در عصر دانش‌مدار در نظر گرفته شده اما همان‌گونه که گفته شد تا زمانی که نخبگان عربستان سعودی در جنبه برداشت قرون وسطایی از قدرت گرفتار باشند عملاً اجرا و تحقق «راهبرد ملی دانش و فناوری» ناکام خواهد ماند. همان‌گونه که آمارها نشان می‌دهند عربستان سعودی به‌سان دیگر دولت‌هایی که از

است اردن برای کسب آمادگی بهتر و حضور فعال و قوی‌تر در این عرصه، به نوسازی زیرساخت‌ها، توسعه توانمندی‌های مرتبط با فناوری‌های اطلاعات و به‌کارگیری اینترنت و ارتقای بخش توسعه و تحقیق اقدام کند. ابتکارات انجام شده از سوی اردن برای این منظور به قرار زیر است:

۱. تدوین نظام ملی اطلاع‌رسانی در سال ۱۹۶۶ میلادی با هدف ارتقای توسعه اقتصادی - اجتماعی؛
۲. تأسیس پارک فناوری و صنعت دانشگاه هاشمی؛
۳. احداث شهر مجازی - پارک فناوری اطلاعات؛
۴. پیاده‌سازی حکومت الکترونیکی به منظور پیش راندن اردن به سوی اقتصادی دانش‌مدار؛
۵. ابتکار ریچ Reach که توسط انجمن کامپیوتر اردن با هدف توسعه بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات در اردن تأسیس شده است؛
۶. تقویت و توسعه جوامع روستایی به کمک فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی [۱۴، صص ۱۴۵، ۱۴۳]

دولت اردن با برگزیدن راهبردهای دانش‌مدار سعی دارد تا به ارتقای جایگاه و منزلت این کشور در عرصه نظام بین‌الملل کمک کند. آمارهای جدول ۱ نشان می‌دهد اردن در مقایسه با دیگر کشورهای مورد مطالعه، میزان به مراتب کمتری از GDP خود را برای مقاصد نظامی

■ با نگاهی به نقشه جهان، کشورهای را درمی‌یابیم که به رغم مساحت کوچک، نداشتن نیروی نظامی قابل توجه، فقدان دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای از رتبه و منزلت بالایی در عرصه توسعه اطلاعات و جوامع مبتنی بر دانش برخوردار هستند.

جدول ۳: ارقام هزینه‌های عربستان (میلیون ریال)

هزینه‌ها	سال ۱۹۹۶	سال ۱۹۹۷	سال ۱۹۹۸	سال ۱۹۹۹	سال ۲۰۰۰
توسعه منابع انسانی	۲۷۵۴	۲۱۵۹۵	۲۵۲۹۸	۲۲۷۹۲	۲۹۲۸۲
توسعه منابع اقتصادی	۴۵۲۴	۲۷۲۳	۵۸۲۰	۴۴۱۸	۵۹۵۵
توسعه اجتماعی و خدمات بهداشت	۱۰۱۱۰	۱۲۳۶۶	۱۶۳۹۰	۱۵۱۵۲	۱۶۳۸۱۰
توسعه زیرساخت	۱۳۵۶	۱۵۸۸	۲۱۶۰	۱۷۰۷	۲۰۶۷
دفاع و امنیت ملی	۵۰۰۲۵	۶۷۹۷۵	۷۸۳۳۱	۶۸۷۰۰	۷۴۸۶۶

«شیوه تولید دولت‌سالاری» بهره می‌جویند، در تلاش است با تکیه بر مزیت نسبی تولید نفت، که عملاً با اقتصاد دانش‌مدار در تعارض قرار می‌گیرد، قدرت خود را بر پایه نظامی‌گری ارتقا بخشد. همان‌گونه که داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد بیشترین سهم خرید تسلیحات و هزینه‌های تسلیحاتی متعلق به عربستان سعودی است. جدول ۳ نیز سهم ارقام هزینه‌ای عربستان را در سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۰ میلادی نشان می‌دهد. با توجه به این دو جدول می‌توان گفت توجه بیش از اندازه به مسائل دفاعی - نظامی سبب غفلت از جنبه‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر ساختارهای مورد نیاز برای توسعه اطلاعاتی شده است.^۴

همان‌گونه که آمارهای جدول ۳ نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۱ سهم سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در بخش آموزش از تولید ناخالص داخلی آن ۷/۵ درصد است و این در حالی است که سهم سرمایه‌گذاری در بخش نظامی آن از تولید ناخالص داخلی ۹/۵ درصد بوده است. آهنگ رشد صادرات عربستان در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ به ۰/۹ رسیده است.^۵ سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه بسیار اندک است. در مقایسه با اسرائیل که ۳ درصد و ترکیه که یک درصد از تولید ناخالص ملی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص داده‌اند، سهم عربستان بسیار ناچیز و اندک است و هنوز درک و فهم لازم نسبت به فناوری اطلاعات در ذهن متصدیان امر شکل نگرفته، ابعاد زبان‌شناسانه، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی لازم برای استفاده از فناوری‌های نوین به وجود نیامده است و توسعه انسانی در مراحل اولیه خود قرار دارد.^۶

سوریه

در سوریه هنوز هیچ سند سیاسی رسمی درباره نوآوری‌های فنی و رفتن به سوی جامعه دانش‌مدار تدوین نشده است. از همین رو هیچ سیاست و استراتژی ملی برای توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی وجود ندارد. در میان عوامل شناسایی شده برای این عقب ماندگی، رویکرد منفی نخبگان به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بیش از همه به فرضیه ما نزدیک است.^۷

شیوه تولید دولت‌سالار، درگیری‌های سوریه

با اسرائیل، امنیتی بودن جامعه سوریه و ترس نخبگان از فناوری سبب شده است که سوریه به حاشیه نظام جهانی رانده شود و عملاً نتواند از داشتن ائتلافات استوار و پایدار با دیگر بازیگران نظام بین‌المللی بهره جوید. غفلت از جنبه‌های نرم و ناملموس قدرت و تکیه بر قدرت جبر به جای جذب سبب شده است توسعه اطلاعاتی در این کشور کند و ناچیز باشد. چنین دیدگاهی نسبت به قدرت سبب شده است که سوریه در رده‌بندی برنامه توسعه سازمان ملل UNDP رتبه صدو هشتم را به دست آورد و تعداد دانشمندان و مهندسان آن در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به ازای هر میلیون نفر تنها ۲۹ نفر باشد همین آمار در سوئد، نروژ و اسرائیل (دشمن شماره یک سوریه) به ترتیب عبارت است از: ۴۰۹۵، ۴۵۰۷، ۱۵۷۰ نفر. علاوه بر این سهم توجه تحقیقاتی از تولید ناخالص ملی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۹۹۰ در سوریه ۰/۶ درصد و همین شاخص در سوئد، نروژ و اسرائیل به ترتیب ۲/۸، ۱/۷ و ۳/۷ است.

تعداد اختراعات به ثبت رسیده Patents در سال ۱۹۹۸ در سوریه صفر اما این آمار در سه کشور نروژ، سوئد و اسرائیل به ترتیب: ۱۰۳، ۲۷۱ و ۷۴ بوده است.^۸

دیدگاه و تلقی کلاسیک نخبگان سوریه از قدرت سبب شده که از تولید خالص ملی ۹۱۵ میلیارد پوندی در سال ۲۰۰۱، صدمیلیارد پوند آن صرف هزینه‌های دفاعی شود، چیزی معادل ۵/۵ درصد. همین آمار برای سه کشور نروژ، سوئد و اسرائیل به ترتیب: ۱/۸، ۲/۱ و ۱/۳ است. با این توصیف پیداست تا هنگامی که رهبران و نخبگان سیاسی سوریه بر نظامی‌گری تکیه دارند و فن هراس Technofobia هستند، توسعه مبتنی بر دانش و اطلاعات تحقق نخواهد یافت.

نتیجه‌گیری

در ربع پایانی قرن بیستم، شکل نوینی از سازماندهی اقتصادی - اجتماعی پدیدار شد. بعد از فروپاشی شیوه تولید دولت‌سالار در اتحاد جماهیر شوروی، شیوه تولید سرمایه‌داری در سرتاسر جهان سیطره پیدا کرده است. این نظام سرمایه‌داری برای بقا و تداوم حیات خود از ابزارهای نوین تولید و بهره‌وری استفاده می‌کند و

■ **امارات متحده عربی در طول دهه گذشته زیرساخت‌های جدیدی را به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری در امر آموزش و پرورش جوانان و نوجوانان خود دایر کرده است تا از این طریق آنها را مهیای ورود به اقتصاد دانش‌مدار سازد.**

بر دو خصیصهٔ بدیع تکیه دارد: نوآوری که اساس بهره‌وری در اقتصاد دانش‌مدار است و انعطاف‌پذیری که براساس رقابت است.

در نظام نوین جهانی، سرمایه اصلی دانش و دانایی است که اساساً ناملموس و نامرئی است و سرمایه‌های مرئی به تدریج اهمیت و ارزش خود را از دست می‌دهند. برای مثال مجموع دارایی شرکت مایکروسافت در سال ۱۹۹۹، پانصد میلیارد دلار ارزیابی شده است که از این مبلغ تنها ده میلیارد دلار آن سرمایه‌های فیزیکی (ساختمان، تجهیزات ساخت‌افزاری، مبلمان و مواردی از این دست) است و باقی این دارایی چیزی است که نمی‌توان آن را دید و لمس کرد!

اگر دولتمردان اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، اداره هر چه بهتر امور مملکت را خواستارند و به دنبال حضور فعال در عرصهٔ جهانی هستند، ناگزیرند به شیوه‌های نوین توسعه روی بیاورند؛ توسعهٔ اطلاعاتی شیوه نوین توسعه در عرصهٔ شیوه تولید سرمایه‌داری است.

مهم‌ترین نکته این است که نمی‌توان از یک سو دیدگاه‌ها و رویکردهای سنتی داشت و از سوی دیگر توسعهٔ اطلاعاتی را خواستار شد. از آنجا که توسعهٔ اطلاعاتی، نو و جدید است لذا رویکردها و تلقی‌هایی که قصد بکارگیری و استفاده از این شیوه نوین را دارند به ناگزیر باید نو و جدید و از جنس خود آن باشند.

در عرصهٔ مملکت‌داری، به ویژه در حوزه کشورهای آسیای غربی و چهارکشور مورد بررسی این نوشتار، تبلور «توبودن» به ویژه نزد نخبگان بیش از هر کجا در تلقی آنها از مفهوم قدرت هوبنا می‌شود. در پایان با توجه به مطالعهٔ آمارها و اطلاعات باید گفته تجربهٔ موفق امارات متحدهٔ عربی و نیز اردن نشانگر برقراری رابطهٔ فوق‌الذکر میان متغیر مستقل رویکرد نخبگان به قدرت و متغیر وابستهٔ بهبود توسعهٔ اطلاعاتی در این دو کشور است و بالعکس در دو کشور عربستان سعودی و سوریه عدم تناسب میان دو متغیر بالا منجر به کندی آهنگ توسعهٔ اطلاعاتی شده است. □

*این مقاله برای اولین بار در دومین سمینار میان منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی- غربی و جامعهٔ اطلاعاتی در شهریورماه ۱۳۸۲ ارائه شده است. نظر به اهمیت موضوع، رسانه اقدام به درج کامل مقاله می‌نماید.

*شیوه تولید دولت‌سالار در مقابل شیوه تولید سرمایه‌داری قرار دارد. در شیوه تولید دولت‌سالار کنترل مازاد تولید در خارج از اقتصاد در دستان صاحبان قدرت (دولت) قرار دارد اما در سرمایه‌داری جدایی میان تولیدکنندگان و ابزار تولید است که کنترل سرمایه را در اختیار دارد. بر همین اساس سرمایه‌داری به سمت حداکثر رساندن سود نظر دارد اما در دولت‌سالاری به سوی حداکثر رساندن قدرت، یعنی افزایش توانایی نظامی و ایدئولوژیک.

منابع:

۱. بازر، پتر و دیگران؛ پیشگامان توسعه، مترجم: سیدعلی اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران: انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.

2. Castells. M.; Information Technology, Globalization and Social Development; Geneva: 1999. UNISD/DP 114/99/13

3. Hart, J. and H.Kim; "Power in the Information Age", [on line] available at: <http://www.vii.org/papers/ciprut2.htm>; 1997.

۴. بشیریه، حسین؛ آموزش دانش سیاسی، مبانی نظری علم سیاست؛ انتشارات نگاه معاصر، تهران: ۱۳۸۰، ۳۳:۲۹.

۵. سریع‌القلم، محمود؛ عقلانیت و آیندهٔ توسعه یافتگی ایران؛ مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران: ۱۳۸۰.

۶. سریع‌القلم، محمود؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ نازیبنی نظری و پارادایم ائتلاف، مرکز تحقیقات استراتژیک؛ تهران: ۱۳۷۹.

7. Nye, J.; "Power and Interdependence in the Information Age"; The Resilience of State Foreign Affairs. September/October

1998, [on line] available at: <http://www.foreignaffairs.org/power-and-interdependence-in-the-information-age.htm>. Sep./Oct. 1998.

8. Mowlana, H; "Globalization of Mass Media: Opportunities and Challenges for the South"; Annually: Cooperation South. 1998.

9. Fandy, M., "Information Technology, Trust, and Social Change in the Arab World." Middle East Journal; Vol. 54; No.3; Summer 2000; pp. 38-82.

10. JoesfNye. op cit

۱۱. ایوانز، پتر؛ توسعه یا چپاول؛ نقش دولت در تحول صنعتی؛ مترجم: عباس مخبر و عباس زندیاف، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰؛ تهران: ص ۹۶.

12. "Technology Capacity- Building Initiative for the 21st century in the ESCWA Member Countries; New York: United Nation 2001. E/ESCWA/TECH/2001/1.; pp.157-158.

13. "Military Balance". 2002-2003; London: Oxford University, 2002; pp. 280-282.

14. "Human Development Report 2002; Deeping Democracy in a Fragmented World; New York: UNDP 2002; pp. 207-209.

15. "SIRRI Year Book 2002. Armament; Disarmament and International Security"; Oxford: Oxford University Press, 2001; pp. 237-238.

16. "UNCTAD Hand Book of Statistics; New York: 2002. UNCTAD.TD/STAT/27; pp.20-21.

17. "The New Technology for Enhancing Competitiveness and Prodvctivity in Selected sectors"; New York: United Nation, 2001. E/ESCWA/Tech/2001/4pp.117,121-122.

18. Ibid. pp. 97.107.

19. "Human development Report"; Lib; pp. 186-189.

20. Manuel Castells. op.cit.pp. 1-2.